

## استاد سید علینقی امین

دکتر محمدرضا بیگدلی

۱- در سوگ زنده‌یاد استاد سید علینقی امین بیش از دویست شاعر معاصر، در قالب‌های گوناگون، رثائیه ساخته‌اند. قسمت عمده‌ی این سوگ‌یادها که در چند ماهه‌ی اول پس از مرگ استاد امین ساخته شده بود، به همت نیکوی جناب آقای احمد نیکوهمت (رییس انجمن سخنوران ایران) در **یادنامه‌ی مفصل** استاد به چاپ رسید و افتخار نشر چاپ نشده‌ها به این جانب داده شده است. اینک چهار قصیده‌ی رثائیه‌ی دیگر که تاکنون در جایی چاپ نشده است، در این جا به چاپ می‌رسد.

۲- از وجوه اشتراک این چهار سوگ‌یاد منظوم، افزون بر قالب «قصیده» و مضمون‌های کهن، آن است که این هر چهار شاعر پیش کسوت، اشعار خود را در سنین هشتاد سالگی خود سروده‌اند.

۳- این چهار قصیده به ترتیب الفبایی نام شاعران (ادیب مسعودی، غلام‌حسین قرشی، احمد نیکوهمت و ابوالفضل وکیلی قمی) ضبط می‌شود.

### ادیب مسعودی

ز بی‌وفایی این دهر بی‌بقا فریاد  
که رسم مهر و وفا کس از او ندارد یاد  
دمی به خاک سپارد هزار تازه عروس  
شبی خضاب نماید به خون صد داماد  
فکنند و می‌فکنند مهره‌ی حیات همه  
به قعر ششدر مرگ این عجوزه‌ی نرآد  
کند خراب به یک لحظه بی‌دریغ و فسوس  
هزار کاخ مشید به تیشه‌ی بیداد  
میان عارف و عامی نمی‌گذارد فرق  
بدون دغدغه از جمله می‌کند بنیاد  
شه و گدا به بر تیر او بود یکسان  
به تیغ او نکند فرق بنده و آزاد  
به زیر خاک نهان کرده برج بابل را  
به غیب‌گاه عدم برده صد چو ذات عماد  
بسا کسان که از این طرفه خاکدان رفتند  
که بوده‌اند فلاطون دهر را استاد  
به سان عارف فرزانه‌ی زمانه‌ی ما  
**امین** که تالی او مادر زمانه نژاد  
ز نور دانش او گشت ملک دین، روشن  
هزارها شده‌اند از وجود او ارشاد  
چو خود ز نسل علی بود آن یگانه‌ی دهر  
پدر علی‌نقی نام او ز مهر نهاد  
چو دید تنگ بود بهر او بسیط زمین  
به‌سوی خلد برین پر چو شاهباز گشاد

قفس شکست و از این خاکدان عروج نمود  
به نزد جد شریفش پیمبر امجد  
روان او به فلک شد تنش به خاک نهان  
که هست شیوه‌ی این خاک تیره کون و فساد  
تن مطهر او شد به شهر ری مدفون  
کنار حضرت عبدالعظیم نیک نهاد  
گرفت مادر خاکش چنان به دامن مهر  
که بر کسش نسپارد مگر به یوم معاد  
چو پاک آمد و شد پاک از این جهان فنا  
هزار رحمت حق بر روان پاکش باد  
هزار و سیصد و هفتاد و نه ز شمسی سال  
گذشته بود که نخل قدش ز پا افتاد  
به بیست و هفتم اردیبهشت، آن سرور  
به‌سوی جنت فردوس رفت با دل شاد  
هزار و چارصد و بیست و یک به‌دور قمر  
ز هجرت نبوی آن رسول دانش و داد  
گذشته بود ز ماه صفر ده و یک روز  
که شد زبان فصیحش خموش از او داد  
به‌جای او شده نعم‌الخلف پسر که بود  
حسن صفات و حسن طینت و حسن بنیاد  
چنین خلف ز **امین** یادگار می‌باشد  
که تا روان پدر را کند به نیکی یاد  
به راه دانش و عرفان کنون بود پویا  
خدا کند ز گزند زمانه‌اش آزاد  
به‌یاد بود وی اینک «ادیب مسعودی»  
چنین قصیده سرود از سر خلوص و وداد

### غلام حسین قرشی

از چیست چرخ تیره گزیند ستمگری  
در کار خلق، خلق کند شوم‌اختری  
در ظلم و جور و بغی و فساد و جفا و عنف  
کی فرق می‌نهد پی موسی و سامری  
اردی‌بهشت کاو به بهار است زیب حسن  
اردی‌جهنم آمده بر ما چو بنگری  
نگذشته بیست و هفت ز ایام ماه ثور  
ساعت ز شست عصر نبوسیده ساغری  
روز سه‌شنبه ساعت سه با سه ربع، عصر  
وقت نماز و طاعت و دستور داوری  
هفتاد و نه (۷۹) گذشته ز سیصد پی هزار  
شمسی شمر ز هجرت ختم پیمبری  
**ابن‌امین**، سلاله‌ی پاک محمدی  
کاو شعر و آسمان سخن راست مشتری  
خاکش به برگرفت؛ تفو! برتو، روزگار!  
ترک ار کنی به مهتری‌اش شأن کهنتری  
آرام نخل باسقاش از پا فتاد و رفت  
در سبزی بهار زدش باد آذری  
در خاک گور، اعور و احول یکی شمر  
چون گاه غرق، کوتاه و قد صنوبری  
افسوس بر درخت ثمربخش باغ حسن  
اف بر جفای تیشه و تیغ مزوری  
کز ملک خاوران، قلم و تیغ را گرفت  
یک‌سو سخنوری و دگرسو دلاوری  
یک‌جا حکیم توس، ز توصیف میهنی

بومسلم‌اش خلیفه‌ی دوران برابری صد آفرین به ملک خراسان و بیهق‌اش کان‌جا امین ز فخر زند کوس عبقری بیهق از آن به زینت دانش مزین است کو بر زده به دامن اسرار زیوری بعد از حیات هادی دین، علم، مستمر چون قاسم غنی بنهد پا به منبری خود بود شهریار به ملک سخن، امین بودی سرآمدی به ظهیری و عنصری با جلوه‌ی تبار عربشاهی، از کمال خالی سخن نماند ز معلوم و مضموری ایران، به قدرت قلم و تیغ آبدار نازد به شرق و غرب به آیین سروری آوخ! وداع گفت شهنشاه بیهقام این امین خموده شد از گاه مهتری طبعی محیط بر همه آفاق نظم داشت قول و قصیده و غزل و قطعه‌ی دری آری متاع شعر به بازار روز داد کشمیر شال یا که ز دیبای ششتری بعد از مقام رهبری خلق، کی بود در زی رهبری به جز از شعر و شاعری بگذشت قرن‌ها ز نفوذ حکیم توس کاو بر فروخت چهره‌ی فرشاد سنجری شد زنده‌نام، زان‌که کند زنده در جهان آثار نظم بارگه توس و انوری او زنده است و زنده به او دین احمد است تابد به کاخ مذهب ما مهر خاوری ابن امین نمونه‌ی مردان فحل بود

بود آیتی ز شیوه‌ی فرهنگ‌پروری این گوهر ثمین شده در خاک غم، نهان افسوس! رفت از کف ایام، گوهری شد ریشه‌کن نهالم از این گردباد شوم اف بر فجایع و ستم چرخ چنبری او رفت و طبع من، پی تاریخ فوت، گفت: (ابن امین کشیده ز ما دست رهبری) ورد زبان من قرشی شام تا به بام ذکر مناقبش شده در گویش لری

## احمد نیکوهمت

طی شد بهار خرم و آمد خزان ما بگذشت زین‌سرای دو در، کاروان ما ما می‌رویم و باز بماند ز ما اثر ثبت است در کتاب زمان داستان ما میزان عدل قائم و دین‌باوران کنند بهر حساب در همه‌جا امتحان ما خدمت به خلق، شیوه‌ی مردان پارساست آسوده باز ماند از این ره روان ما بودی امین تو عالم عامل به عصر خویش شد جلوه‌های فکری تو ارمغان ما (راز نماز و ادعیه) و (اربعین حدیث) جاوید مانده از تو به دور زمان ما با (پرتو حقیقت) و با (جلوه‌ی حق) ات گردد یقین فزون و بکاهد گمان ما این مادر زمانه نزاده است هم‌چو تو هم‌چون تو پاک دیده ندیده جهان ما کی می‌توان ستودنت ای پاک جان که هست

ذکر صفات پاک تو، ورد زبان ما شرح فضائل تو کجا می‌توان؟ که هست وصف محامد تو نه حد بیان ما افتاد لرزه از غم مرگ تو در جهان تا آسمان رسید ز سوگت فغان ما هر نیک و بد به دفتر گیتی ست یادگار در صفحه‌ی زمانه بماند نشان ما رفت از جهان امین و امانت به‌جا نهاد آثار اوست - هم‌چو عسل - در دهان ما از تندباد حادثه ایمن کجا شویم ابن امین، دگر چو نباشد امان ما غافل مباش از اثر کرده‌های خویش سوزد ز نار حادثه‌ها استخوان ما با دوست، شادمان و خوشم، گرچه خصم دون کوشد همیشه از همه‌سو در زیان ما با دوست، هم‌دلیم و فسوسا فسون خصم بس فتنه، ساز می‌کند او در زمان ما دل بسته‌ایم ما به امین یگانه‌یی کی ره برد رقیب به راز نهان ما باز آن که باز بازشناسیم قدر دوست رفت آن امین راد زمان از میان ما گر متحد شویم به‌دوران، مسلم است از حادثات دور شود خانمان ما ماند به‌جای، بس اثر جاودان، ز ما آثار ماست حاصل فکر و توان ما همّت مباش غافل از این دهر پُرفسون طوفان دهد به باد هیبا دودمان ما بقیه در صفحه‌ی ۵۹



از راست: احمد نیکوهمت - شیخ حسین سنجری - مسوول سابق کانون بازنشستگان - رحیم زهتاب فرد - شناخته نشد - قاسم جبلی - دکتر محمدرضا بیگدلی - مرحوم علی انتظامی - پروفیسور امین - کیومرث مهدوی (خدییو) - پدram توپسرکاتی - مهندس فراز - شناخته نشد - پریشان مقدم - منوچهر صدوقی سها - مجید شفق - فرشته دولت آبادی - محمود طبیب زاده. ردیف دوم: از راست: شناخته نشد - صابر کرمانی - نیما مقدم. (نیمه‌ی از ردیف اول مراسم نکوداشت زنده‌یاد استاد امین در تالار اجتماعات کانون بازنشستگان کشوری - انجمن سخنوران ۱۳۷۹)